



ایران

حال و هوای یکی از پایگاه‌های انتقال خون تهران در روز اربعین

نذرندگی

محمد مصومیان

گزارش‌نویس

برای کمک کردن به یک‌دیگر همیشه نیاز نیست دست در جیب‌مان بکنیم. لازم نیست به این فکر کنیم که چطور می‌توانیم کار خاصی برای هموطن خود بکنیم که او را از درماندگی یا مرگ نجات دهیم. اگر قصد کمک باشد می‌توان راه‌های ساده‌ای هم پیدا کرد. یکی از این راه‌ها اهدای خون است. کاری که به سادگی در یک روز تعطیل و بدون صرف هزینه‌ی وقت می‌توان آن را انجام داد. کافی است سوار ماشین شوید و به اولین مرکز اهدای خون بروید تا با اهدای این مایع حیات‌بخش، هم جان سه نفر را نجات دهید و هم احساس خوب ایثار را تجربه کنید. من این احساس رضایت‌مندی را در چشمان تک تک کسانی که از در پایگاه

انتقال خون در خیابان وصال شیرازی تهران بیرون می‌آید، دیدم. ظهر اربعین است و همه خیابان‌های اطراف خلوت است بجز شیرازی که مردم دسته‌دسته در آن آمد و شد دارند، اتومبیل و موتورهای زیادی رویه‌روی در پارک شده است که استقبال خوب مردم را نشان می‌دهد. هر کس به بهانه‌ای آمده تا کار خیری بکند و به قول رضا که از غرب تهران خودش را به اینجا رسانده خون بدهد و ثواب ببرد. روی بنری در ورودی ساختمان او پوشش نذر خون نوشته شده است. پوششی که هر ساله برگزار می‌شود و قرار است مردم را به اهدای خون ترغیب کند. صدلی‌های سالن پذیرش تقریباً پر است. بعضی خانوادگی برای اهدای خون آمده‌اند و بعضی هم تنها گوشه‌ای نشسته‌اند تا پذیرش بشوند و به سالن اهدا بروند. سه مرد که دو نفر از آنها جوان و یکی مسن‌تر است با لباس مشکی عزاداری آمده‌اند. پسر جوانی که کنار دایب‌اش نشسته می‌گوید: «به نیت اربعین امام حسین (ع) آمدیم خون بدهیم. گفتم خون من O مثبت است و به درد همه می‌خورد». دایب ادامه می‌دهد: «کار خیر فقط پول دادن نیست. آدم گاهی می‌تواند با همین اهدای خون کار بندگان خدا را راه بیندازد.» مرد دیگری که روی صدلی ردیف پشتی نشسته آفتاب می‌تاباند، می‌گوید هر ساله در اربعین خودش را از جوادیه به اینجا می‌رساند تا خون بدهد: «سه ماه یک بار می‌آیم خون می‌دهم ولی روز اربعین را یک نیت شخصی دارم و هر ساله می‌آیم. امسال هم بیایم آمده‌ام چون به گروه خونی شما نیاز مبرم داریم.»

می‌کنم. می‌گویند مادرش را برای نذری که دارد آورده تا خون اهدا کند: «خودم چون لاغر هستم و فشارم پایین است خون نمی‌دهم ولی سعی می‌کنم با آوردن مادرم به اینجا در کار خیر شرکت کنم.» سالن اهدای خون با وجود آدم‌هایی که مانند بیماران روی تخت دراز کشیده‌اند، با وجود لوله‌هایی که به دستان اهداکنندگان وصل است و بسته‌های خونی که روی میزها وجود دارد احساس خوبی به آدم می‌دهد. همه لیخندی به لب دارند و پزشکان و پرستاران با حوصله با اهداکنندگان برخورد و خوش و بیش می‌کنند. اینجا پیر از مردانی است که با دست خالی اما دل‌های روشن آمده‌اند تا کار مثبتی کرده باشند. آفتاب که پرستاری می‌گوید امروز از آن روزهای شلوغ این پایگاه است. شلوغی دلجسی که نشان از احساس مسئولیت مردم نسبت به جان و سلامتی هموطنان خود دارد. سراغ یکی از مردانی می‌روم که روی تخت دراز کشیده و دست‌انتش را بالا گرفته است تا خون بند بیاید و از جایش برخیزد. او تعریف می‌کند که معمولاً بخاطر طرح ترافیک از این منطقه تهران عبور نمی‌کند: «امروز که چشمم خورد حس کردم چه خوب که بیایم خون بدهم. البته در طول سال هم خون می‌دهم و احساس خوبی دارم. خود خون دادن احساس سبکی به آدم می‌دهد و وقتی هم فکر می‌کنم این کار می‌تواند جان کسی را از مرگ نجات دهد حالم بهتر می‌شود.»

ظهور اربعین است و همه خیابان‌های اطراف خلوت است بجز روبه‌روی در ورودی پایگاه انتقال خون وصال شیرازی که مردم دسته‌دسته در آن آمد و شد دارند، اتومبیل و موتورهای زیادی رویه‌روی در پارک شده است که استقبال خوب مردم را نشان می‌دهد. هر کس به بهانه‌ای آمده تا کار خیری بکند و به قول رضا که از غرب تهران خودش را به اینجا رسانده خون بدهد و ثواب ببرد. روی بنری در ورودی ساختمان از پوشش نذر خون نوشته شده است. پوششی که هر ساله برگزار می‌شود و قرار است مردم را به اهدای خون ترغیب کند



نظرم را جلب می‌کند، به سراغش می‌روم. او خون دادن را مانند مسئولیتی اجتماعی می‌بیند و از غرب تهران به اینجا آمده تا این مسئولیت شیرین را انجام دهد: «پیامک که دادند که به گروه خونی شما نیاز داریم. من هم چون تعطیل بود راحت خودم را رساندم. راستش این پیامک همیشه به من احساس وظیفه می‌دهد و هر جا باشم برنامه‌ریزی می‌کنم و می‌آیم.» از او می‌پرسم آیا دوستان یا اقوامش هم تحت تاثیر این رفتار او برای خون دادن ترغیب شده‌اند، می‌گوید: «حقیقتش تا حالا به کسی نگفته‌ام که مرتب خون می‌دهم. نمی‌دانم چرا فکر می‌کنم نباید بگویم. البته همین نگفتن هم باعث شده این عادت برام تبدیل به یک احساس خوب شخصی شود. نمی‌دانم اسمش را چه می‌شود گذاشت؛ نیت شخصی؟»

فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزایی مناقصه عمومی

آگهی مناقصه عمومی

شرکت شهرکهای صنعتی خراسان رضوی

انتهای انحصاری پارچین

آگهی تملک اراضی

فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزایی مناقصه عمومی

انتهای مناقصه عمومی

فراخوان مناقصه عمومی

IRAN DAILY 1877